

Sadeghih Town the Right of the City in Kermanshah

Asma Piri¹ – Siavash Gholipoor^{2*} – Nader Amiri³

Abstract

The present study attempts to investigate the right to the city in Sadeghiyeh town. The theoretical framework for the research is based on Henry Lefebvre's views. Qualitative research methods and techniques are used for data collection, observation, interviewing and document review. The results show: 1: Urban spaces (educational and cultural space, green space, sports space, consumption space and transportation system) in the town are either absent or inadequate. Neighboring towns are also under siege and Sadeghih residents are unable to use them, so they are deprived of the right to own the city, 2: Town residents are not involved in the construction of public spaces and community activities in the town, and community life, shared memories, and feelings of belonging to the town are not formed. So they have no right to participate, 3. The reasons for disrespecting the city are due to the migration of the villagers to the city in the 40s and 80s (the Persian year) and their exclusion in the daily life. Trends that tore the city apart make them financially disadvantaged groups that were unable to enjoy urban amenities, and on the other hand, such groups live in Sadeghih Town were pushed to the edge of the city and denied the right to the city.

Keywords: Rights of Possession, Rights of Participation, Exclusion, Space, Kermanshah.

1. Master of Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran.

2. * Assistant Professor, Depat, Sociology, Razi University, Kermanshah, Iran. Corresponding Author: (gholipoor.sia@gmail.com)

3. Assistant Professor, Depat, Sociology, Razi, Kermanshah, Iran



حق بر شهر محله صادقیه در کلان‌شهر کرمانشاه

اسماء پیری^۱ - سیاوش قلی‌پور^{۲*} - نادر امیری^۳

چکیده

پژوهش حاضر تلاش می‌کند حق بر شهر در شهرک صادقیه را بررسی کند. چهارچوب نظری پژوهش مبتنی بر آراء هانری لوفور است. روش پژوهش کیفی و فنون گردآوری داده، مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد است. یافته‌ها نشان می‌دهند: ۱- فضاهای شهری (فضای آموزشی و فرهنگی، فضای سبز، فضای ورزشی، فضای مصرف و سیستم حمل‌ونقل) در محله یا وجود ندارد یا مناسب نیستند. محلات مجاور نیز در محاصره سرمایه است و ساکنین صادقیه توان استفاده از آن‌ها را ندارند، بنابراین از حق تصاحب بر شهر محروم‌اند. ۲- ساکنین محله در ساخت فضای عمومی و فعالیت‌های جمعی محله مشارکت ندارند و حیات جمعی، خاطرات مشترک و احساس تعلق در محله شکل نمی‌گیرد. بدین روی حق مشارکت نیز ندارند. ۳- دلایل عدم رعایت حق بر شهر ناشی از مهاجرت روستا به شهر در دهه ۴۰ تا ۸۰ و طرد در زندگی روزه است. روندهایی که سبب دو پارگی شهر شدند، گروهی که از توان مالی برخوردار هستند توانستند از امکانات شهری برخوردار شوند و گروه کم‌برخوردار مانند اهالی صادقیه به حاشیه شهر رانده و از حق بر شهر محروم شدند.

واژگان کلیدی: حق تصاحب، حق مشارکت، طرد، فضا، کرمانشاه.

۱. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

۲. * استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. نویسنده مسئول:

(gholipoor.sia@gmail.com)

۳. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۱- مقدمه

ورود مدرنیته به ایران، ساختار فضایی شهرهای ایران از جمله کرمانشاه را دستخوش تغییر کرد. عوامل مختلفی مانند مهاجرت گسترده روستا به شهر در دهه ۴۰ تا کنون و وقوع جنگ تحمیلی در ۱۳۵۹ در گسترش کلانشهر کرمانشاه نقش داشتند. جمعیت ۶۰ هزار نفری (بنگرید به رابینو ۱۳۹۳: ۲۵، Floor, 2018: 14-17) کرمانشاه در سال ۱۳۰۰ به مرز ۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است (سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵). روند گزینی این جمعیت اغلب مبتنی بر اضطرار و بی‌برنامگی بوده است (بنگرید به کلارک، ۱۳۹۵: ۱۶). طرح‌های جامع ۱۳۵۲، ۱۳۶۴ و ۱۳۸۲ نیز اغلب در راستای اسکان کارمندان دولت و جلوگیری از مهاجرت روستاییان اجرا شدند. این طرح‌ها از بالا و توسط طراحان دانشمندان اجرا شدند. اندیشه‌های علمی، ریاضیاتی و بازنمایی‌های ناشی از اندیشه‌های انتزاعی مبنای آن‌ها بودند. نقش واقعیت‌های زندگی روزمره، آمایش سرزمین، تغییرات شیوه تولید و درآمدهای سرشار نفتی در طراحی آن‌ها مغفول است. طرح توسعه شهری در کرمانشاه، موارد پیش‌بینی نشده‌ای مانند محلات کم‌برخوردار (۴ محله قبل از انقلاب و ۳۰ مورد بعد از انقلاب) را به وجود آورد که در دایره مطالعات توسعه شهری جای نداشتند. آن‌ها حق تصاحب فضاهای شهری (فضای سبز، آموزشی، سلامت، تفریحی، فرهنگی و به طور کلی مصرف جمعی) را نداشتند. به پیرو این امر حق مشارکت در ساخت آن‌ها نیز وجود نداشت و صرفاً در ساخت خانه‌های خود به شیوه‌ای خودانگیخته و بدون توجه به استانداردهای دسترسی، زیربنایی و بهداشتی مشارکت کردند که نتیجه آن خانه‌های بی‌کیفیت و محلات فقیرنشین بودند (بنگرید به ایراندوست ۱۳۸۹؛ قلی‌پور ۱۳۹۱؛ مشاور تدبیر شهر ۱۳۸۲؛ کریمی و همکاران ۱۳۹۶). حق بر شهر دغدغه‌ای روشنفکرانه و یا آکادمیک نیست بلکه درخواستی برای بهتر زیستن در فضاهای شهری است: زیست در شان انسان امروز به نحوی که بتواند زندگی اجتماعی سالم داشته باشد و استعدادهایش را در شکوفا کند. حق بر شهر در دنیای امروز توسط روند کالایی شدن زمین و مسکن از بین رفته است. شهرهای کنونی نابرابری تولید می‌کنند (بنگرید به مایلز و مایلز ۱۳۹۳؛ کلارک ۱۳۹۶) و بسیاری از سکنه شهر را به مکان‌هایی می‌رانند که در آستانه رویت‌پذیری قرار نگیرند. طردشدگان، بی‌خانمان‌ها، حاشیه‌نشینان، مستاجران کم‌درآمد، مهاجران، رنگین‌پوستان و صدهای خاموش بخش جدایی‌ناپذیر کلان‌شهرهای قرن ۲۱ است. در چند دهه اخیر جنبش‌های بسیاری در دنیا به طور خودانگیخته به دنبال دسترسی به حق بر شهر هستند (بنگرید به هاروی، ۱۳۹۵؛ مریفیلد و هاروی، ۱۳۹۱). آن‌ها از دل تنگناهای

زندگی در شهرهایی به وجود آمده‌اند که در خدمت انباشت سرمایه هستند و مداخله‌گرهای دموکراتیک را از یاد برده‌اند.

در کلان‌شهر کرمانشاه تا کنون مطالعه‌ای در باب «حق بر شهر» صورت نگرفته است. معه‌ذا برخی مناطق آن در محاصره سرمایه است (بنگرید به مهر، ۱۳۹۶)، نامکان‌ها شهر را درنور دیده‌اند و فضاهای عمومی را تقلیل داده‌اند (قلی‌پور، ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴) و محلات حاشیه‌نشین در جای‌جای آن رشد کرده‌اند. این پژوهش به دنبال آن است تا وضعیت حق بر شهر را در محله صادقیه بررسی کند؛ بنابراین تلاش می‌کند به سؤالات زیر پاسخ دهد.

۱- وضعیت حق بر شهر در شهرک صادقیه چگونه است؟

۲- دلایل شکل‌گیری وضعیت حق بر شهر کدام‌اند؟

۲- پیشینه پژوهش

ایرانمنش و مختاری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «اکباتانی‌ها به دنبال حق به شهر: نگاهی به کنشگری شهری نوزاده در شهرک اکباتان» حق به شهر را مورد بررسی قرار دادند. هدف آن‌ها بررسی کنش‌های اهالی اکباتان، به منظور دستیابی به حق به شهر می‌باشد. روش این پژوهش مشاهده مشارکتی است. یافته‌ها نشان می‌دهد اهالی اکباتان در مواجهه با نحوه برنامه‌ریزی از بالا به پایین مدیریت شهری و نگاه معطوف به سودآوری آن، حامیان محیط زیست را تشکیل دادند. حامیانی که تلاش کردند تا برای جلب اعتماد مردم اکباتان و افزایش سرمایه اجتماعی، شرکت در همایش‌ها، سخنرانی‌ها و جلب توجه اهالی و جامعه دانشگاهی، در راستای احقاق حق خود به شهر و محله‌شان گام بردارند. معروفی، حسین و وحیدی برجی، گلدیس (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس» به شناسایی ارتباط بین معماری، طراحی و برنامه‌ریزی شهر و یا هرگونه فعالیت کنترل فضایی با مفهوم حق شهری پرداختند. روش مورد استفاده آن‌ها ارزیابی و مقایسه می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهند: حق بر شهر می‌تواند به عنوان معیاری برای ارزیابی پروژه‌های شهری قرار گیرد. مداخلات کالبدی به دلیل تغییر در شیوه زندگی و حقوق اجتماعی افراد و گروه‌ها تأثیری مستقیم بر حق شهر دارند.

رفیعیان، محسن و الوندی‌پور، الناز (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «مفهوم‌پردازی اندیشه حق به شهر در جستجوی مدلی مفهومی» به دنبال درک صحیح مفهوم حق به

شهر هستند. روش پژوهش توصیفی تحلیلی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد: حق به شهر، شامل تعلق یافتن شهر به شهروندان و مشارکت آنان در امور شهری است. از این رو مهم‌ترین مقولات پیش‌روی این مفهوم در خلق فضای شهری با کیفیت، شامل حکمرانی شهری، شمول اجتماعی، تنوع فرهنگی در شهر، آزادی اجتماعی و حق دسترسی به خدمات شهری برای تمام ساکنان شهر است.

شارع پور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «حق به شهر و فضاهای عمومی شهری» به مطالعه و تحلیل روندهای فضای عمومی با هدف به دست آوردن تصویری از حق به شهر پرداخته است. چهارچوب نظری این پژوهش، آرای هانری لوفور است. روش پژوهش کیفی است. از منظر این پژوهش، در سال‌های اخیر فضاهای عمومی بی‌وقفه در حال خصوصی شدن هستند و فضا در حال تبدیل به کالا است. فضا دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی می‌باشد که وقتی به یک کالا تبدیل شود، این کارکردها تحت تأثیر قرار گرفته و بعضی از آن‌ها از فضا حذف می‌شوند. از طرف دیگر با خصوصی شدن فضاهای عمومی، فضا به دو بخش خصوصی و عمومی تفکیک می‌شود و همگان نمی‌توانند از فضای خصوصی که هزینه‌بر است استفاده کنند، علاوه بر این، این تفکیک‌پذیری بر حالت‌های ذهنی افراد جامعه اثر می‌گذارد و مشارکت و حضورشان در فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این شرایط مانع احقاق حق به شهر برای مردم می‌شود.

۳- چهارچوب نظری

مفهوم حق به شهر^۱ از سوی هانری لوفور^۲ (۱۹۹۱-۱۹۰۱) فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شد. «به اعتقاد وی، شهرنشینی در معنای امروزی آن دیگر ساختن بزرگراه‌ها، آسمان‌خراش‌ها، تونل‌ها، پارک‌ها و بناهای مختلف یا تمرکز بیشتر جمعیت در شهرها نیست، بلکه شهر باید از ظرفیت‌های لازم برای تقویت و رشد فرهنگ جامعه بشری برخوردار باشد. شهرنشینی در معنای امروز آن به معنای تحقق مجموعه‌ای از حقوق است» (لوفور، ۱۳۸۹: ۴۵) که حق به شهر نیز یکی از آن‌هاست. برای لوفور حق به شهر یک درخواست برای دسترسی به زندگی شهری است. حق به شهر «نه یک حق طبیعی و نه از نوع قراردادی آن. حق در واقعی‌ترین شکل آن دال بر حقوق شهروندان و ساکنان شهر و گروه‌ها دارد ... حق معطوف به شهر مانع از آن می‌شود که کسی به دلیل سازماندهی

^۱. the right of city

^۲. Henri lefebver

تبعیض‌آمیز و جدایی‌طلبانه شهر از واقعیت شهری زندگی محروم شود» (شورجه و شاکری، ۱۳۹۳: ۳۴۱). «حق به شهر دو مؤلفه مهم و اساسی دارد که عبارتند از: حق تصاحب^۱ و حق مشارکت^۲» (Lefebvre, 1968: 158).

حق تصاحب: شامل حق دسترسی، تصرف و استفاده از فضا و تولید فضای جدید منطبق با نیازهای مردم است. «در واقع حق تصاحب شهر، اشاره به این نکته دارد که ساکنان را از حق تصاحب فضاهای شهری به هر دلیلی، مثلاً به واسطه مالکیت خصوصی، نمی‌توان محروم کرد» (ایراندوست و دوستوندی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). این تصاحب با اشغال کردن مکانی تفاوت دارد. در اشغال کردن مکان، ما فقط جایی را به تصرف درآورده‌ایم، ولی همانگونه که لوفور می‌گوید: «تملک تنها به معنای تصرف فضاهای شهری فعلی و موجود نیست که به معنای حق تولید فضای شهری متناسب با نیازهای ساکنان نیز است» (ایراندوست و دوستوندی، ۱۳۹۴). تصاحب عاملی است برای تفکر مجدد به مفهوم مالکیت صحیح، جهت تغییر تصورات مرسوم ما درباره اینکه چه کسی مالک شهر است. نوعی حق‌خواهی و کنش عمل آگاهانه فردی هر یک از شهروندان برای تغییر مناسبات فضایی و فراهم آوردن شرایط زیست بهتر در شهر است.

حق مشارکت: به نظر لوفور، حق به شهر نمایانگر حق مشارکت در جامعه از طریق فعالیت‌های روزمره (کار، سکونت، تحصیل و تفریح) است. حق مشارکت به این معناست ساکنان شهر به دلیل سکونتشان دارای حق و مشروعیت برای دخالت در تولید فضای شهر هستند. بر اساس این حق «ساکنان شهر باید در سطوح مختلف تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور و مسائل شهر و فضای شهری دخیل باشند» (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۱). حق مشارکت اشاره به مرکزیت شهروندان در تصمیم‌گیری در امور است که به طور مشخص فضای شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شهروندان نقشی کلیدی برای هر تصمیم که منجر به تولید فضای شهری می‌شود دارند. فرقی نمی‌کند این تصمیمات در چه مقیاسی (منطقه‌ای، محلی و ملی) گرفته می‌شود. مهم این است نقش تصمیم‌سازی شهروندان مرکزی و محوری باشد. در واقع حق مشارکتی که لوفور می‌گوید یک دستور کار وسیع خود اداره‌گری، برای همه شهروندان است؛ اما این خود مدیریتی و خود اداره‌گری تا کنون ایجاد نشده است. این که چرا خود مدیریتی شکل نگرفته و به تبع آن چرا حق به شهر رعایت نشده است مربوط به شیوه تولید فضا است. هر شیوه تولیدی فضای مخصوص به

^۱ the right of appropriation

^۲ the right of participation.

خودش را می‌آفریند: جوامع اولیه، درون طبیعت اولیه حرکت می‌کردند. دورانی که با نام عصر برده‌داری می‌شناسیم، باعث شکل‌گیری دولت‌شهر شد. «شیوه تولید آسیایی، فضای سازماندهی‌شده گسترده‌ای را به وجود آورد که از یک‌سو در پیوند با آب و آبیاری پروژه‌های بزرگی که ناگزیر از سوی دولت هماهنگ می‌شوند و از سوی دیگر در پیوند با قدرت اجرایی و نظامی قرار دارد که بر اجتماع‌های کشاورزی فرمان می‌راند» (لوفور، ۱۳۹۴: ۵۴). «فئودالیسم بر نوعی سازمان‌دهی سفت‌وسخت فضای ملکی بنا بود» (لوفور، ۱۳۹۴: ۵۴)؛ اما در عصر حاضر و از قرن بیستم به بعد شیوه تولید سرمایه‌دارانه سازماندهی فضایی را به سمت و سویی دیگر هدایت کرد. این شیوه تولید تمام آن‌چه ما فضا می‌نامیم، اعم از کوه، دریا، زمین و... را تحت سیطره خود درآورد و آن‌ها را آن‌گونه که می‌خواهد شکل دهد. سرمایه‌داری می‌خواهد فضا را از نو تولید و بازتولید کند. به بیان دیگر، شیوه‌های قبلی محلی باقی ماندند؛ ولی سرمایه‌داری یک شیوه تولید جهانی است؛ «شیوه‌ای که هم فضاهای محلی و ملی و هم فضاهای جهانی را از طریق و به مدد شبکه ارتباطات، می‌آفریند. فضایی که این شیوه تولید می‌آفریند، فضایی است که هم به عنوان ابزار تولید به آن نگاه می‌شود، هم ابژه مصرف است و از سوی دیگر کارکرد سیاسی دارد و ابزار سیاسی نیز می‌باشد» (لوفور، ۱۳۹۴: ۴۵). شیوه تولید سرمایه‌داری فضا را با منطق تولید می‌کند که با اصل کسب ثروت بیشتر و ارزش افزوده بالاتر همراه است. همچنین تولید شامل هر کالایی، اعم از کالاهای ضروری، لوکس، خدماتی مانند گرفتن مشاوره‌های خانوادگی، شغلی و... علم‌آموزی و آموزش است. با افزایش تولید، مصرف نیز افزایش می‌یابد. حتی کوه‌ها، دریاها و ... را که همه موهبتی می‌دانند که خدا به آن‌ها عرضه داشته، حالا دیگر بخشی از طبیعت بکر نیستند و همگی با عناوینی چون تفریح‌گاه، فضای سبز به فضاهایی تبدیل شدند که شرط استفاده از آن‌ها، هزینه کردن پول است. بدین روی تولید فضای بیشتر که با هدف ایجاد رفاه عمومی در استفاده از فضاها ایجاد می‌شود با خودش پول و ثروت زیادی به همراه می‌آورد؛ ثروتی که حاصل اندوختن پول‌هایی است که مردم در راه مصرف فضاها هزینه می‌کنند؛ و اینجاست که لوفور در کارش از دو ارزش سخن می‌گوید. ارزش مصرفی که به زندگی اجتماعی و فرهنگی بر می‌گردد و ارزش مبادله‌ای که به رشد، توسعه و تولید اقتصادی بر می‌گردد. شیوه تولید سرمایه‌دارانه، تنها به ارزش مبادله‌ای فضا توجه می‌کند، در نتیجه در دام سه فرایند همگنی، تجزیه و سلسله مراتبی شدن می‌افتد و فضاهایی کاملاً مرزبندی شده می‌آفریند. فضایی که بعد مادی آن بُعد اجتماعی، فرهنگی و عمومی برجسته‌تر است و تا سطح کالا تقلیل می‌یابد. شهر فضایی

است که اکنون به وسیله این شیوه تولید، به مکان‌های مختلفی چون مراکز خرید، پارک، محیط کاری و... تجزیه شده است. «فضای شهر علاوه بر تجزیه شدن، گرفتار سلسله مراتبی چون بالای شهر، پایین‌شهر، محله اعیان، محله فقرا، خیابان ولگردها و... شده (بنگرید به شمولی، ۱۳۹۳: ۴۱۳-۴۱۰). با کالایی شدن فضای شهری، شهروندان از قسمت‌هایی که متناسب با بودجه مالی آن‌ها نیست محروم می‌شوند و عدالت اجتماعی کمرنگ می‌شود. همچنین وجه هنری و تاریخی که بناهای تاریخی، نماد آن هستند به محاق می‌روند و به فضاهایی تبدیل می‌شوند که باید سودآور باشند. شیوه تولید سرمایه‌داری، نوعی دگرگونی و تغییر جایگاه را به وجود آورده است که در آن نیاز و عدالت و کیفیت زندگی عمومی کمرنگ و حرص و طمع افسار گسیخته به تولید هرچه بیشتر فضا می‌پردازد. از منظر لوفور سازمان‌های دولتی مانند شهرداری‌ها، ادارات نوسازی، شرکت‌های ساختمانی همگی در راستای اهداف ایدئولوژی حاکم بر بورژوازی و سرمایه‌داری عمل می‌کنند. «این سازمان‌ها از طریق بازنمایی فضایی، به اجرا و حفظ آنچه شیوه تولید سرمایه‌داری می‌خواهد اقدام می‌کنند» (لوفور ۱۹۹۱: بخش اول). بازنمایی فضا که شامل همان تصاویر، نقشه‌ها و طرح‌هایی است که برای شکل‌دهی به فضای شهری استفاده می‌شود دارای منطق، دانش و محتوای ایدئولوژیکی است. رمزگان و نشانه‌های این بخش از فضا طوری تولید می‌شود که در راستای هدف سرمایه‌داری باشد. «بنابراین، کسانی که نحوه بازنمایی‌های فضا را کنترل می‌کنند، نحوه تولید و سازماندهی و به کار بردن آن را لاجرم در کنترل خود دارند» (لوفور، ۱۹۹۱: بخش اول). ایدئولوژی سرمایه‌داری این است که همواره بورژوازی سود بیشتری به دست آورد چرا که قدرت یافتن بورژوازی قدرت گرفتن و تحکیم پایه‌های سرمایه‌داری است. وقتی سرمایه‌داری فضا را کالا کرد؛ تمام برنامه‌ها و نقشه‌کشی‌های شهری همه در راستای منافع این طبقه گام برداشتند. «ایدئولوژی سرمایه‌داری برای لوفور در توسعه اعمالی به بیان درآمد که فضای شهری را به مثابه وسیله‌ای تصور می‌کرد که از طریق آن، فضا می‌توانست بازنمایی شود، بر آن استیلا یابد، آن را به فروش به مثابه کالای مصرفی تقسیم و تفکیک کرد و برای کارکردهای خاصی در نظر گرفت» (لوفور، ۱۹۹۱: ۷). لوفور بر این باور است که «همه نظام‌های بزرگ یک مازاد دارند. در واقع هر کل یک باقی‌مانده از خود به جا می‌گذارد. همیشه یک گروهی از مردم هست که در هیچ کلی جای نمی‌گیرند، باقی‌مانده‌ها در نظام سرمایه‌داری همان مردمی هستند که سهمشان از فضا، زاغه‌ها و حاشیه‌نشینی است؛ و حق به شهر می‌خواهد دربارهٔ مزادهایی صحبت کند که به دنبال گرفتن حق خود برای سکونت در یک جامعه

شهری و زندگی شهری هستند» (Merrifield, 2006: 71). بر این اساس حق به شهر در معنای ضمنی یک انقلاب است. انقلاب شهروندی که خواهان حقوق برابر برای زیست شهری است. حق به شهر لوفور به دنبال دانشی است که در برگیرنده حقوق مردم شهری برای به مالکیت درآوردن پیوست معانی، نمادها و فهم‌های فضا به واسطه استفاده از آن است. به بیان دیگر، حق عموم شهری برای جایگزین کردن اولویت بخشی به فضا برای مبادله، با ارزش مصرفی فضا. حق به شهر لوفور تصمیم‌سازی را از دولت و سرمایه‌داری دور و به سوی تولید فضای شهری از نو جهت‌دهی می‌کند. حق به شهر بر نیاز به ساختاردهی دوباره به روابط قدرتی تأکید دارند که زیربنای تولید فضای شهری را تشکیل می‌دهند و کنترل را به طور بنیادین از سرمایه و دولت به سکونت‌کنندگان شهری منتقل می‌کند. حق به شهر، حق خلق شهر جدید و متفاوت است.

۴- روش‌شناسی

روش پژوهش مبتنی بر روش سه گانه لوفور است. توصیف: چه چیزی دارد رخ می‌دهد؟ که پاسخ به این پرسش از راه مشاهدات تجربی توصیف‌گر مسئله است؛ بنابراین این بخش به حق بر شهر (حق تصرف و حق مشارکت) در محله صادقیه می‌پردازد.

تحلیل و بازنگری: چرا رخ می‌دهد؟ پاسخ به این پرسش به شکلی واقع‌بینانه و روشن با دوری از هرگونه ابهام از طریق استدلال قیاسی به جزءبینی دقیق از علل رخداد مسئله می‌رسد؛ پژوهشگران در این بخش با استناد به منابع موجود از جمله کتب، مقالات، نقشه‌ها و عکس‌های هوایی به بررسی چرایی موضوع می‌پردازند. در این پژوهش روندهای اقتصادی، برنامه‌های توسعه، طرح‌های جامع، تفصیلی که نقش مؤثری در تولید کالبد شهری دارند مطرح خواهند شد. بحث جدی دیگر مناطق و فضاهای شهری است که به دور از مناسبات رسمی و طراحی شهر ساخته می‌شوند. برای مثال محلات کم برخوردار در این حیطه جای دارند.

تبیین سیر تکوینی: چگونه در حال ادامه یافتن است؟ پاسخ به این پرسش با مطالعه تغییرات وضعیت و تأثیرات، مسئله را با توجه با امور وابسته ارزیابی می‌کند و ساختار یا مدلی مفهومی از آن ارائه می‌کند.

برای عملیاتی کردن مفهوم حق به شهر مؤلفه‌هایی در نظر گرفته شد که به تفصیل در جدول شماره ۱ آمده‌اند.

جدول ۱: عینی سازی مؤلفه‌های حق بر شهر

ردیف	حق تصاحب	حق مشارکت
۱	کاربری فضای آموزشی (دبستان، راهنمایی، دبیرستان)	شهروند و شهروندی
۲	کاربری فضای سبز (پارک)	خاطره‌سازی
۳	کاربری فرهنگی (کتابخانه‌ها، مراکز پرورش فکری کودکان)	احساس تعلق به فضا
۴	کاربری ورزشی (سالن‌های ورزشی، زمین فوتبال، باشگاه)	تمدن جسم و جان
۵	کاربری تجاری (مجتمع تجاری، خرده‌فروشی)	در برگیری یا طرد و حذف
۶	وضعیت حمل‌ونقل	پذیرش تعامل و حیات جمعی

جامعه مورد مطالعه: جامعه مورد مطالعه، محله صادقیه در کلان‌شهر کرمانشاه است. این شهرک در منتهی‌الیه جنوب شرقی شهر و جدای از بدنه اصلی آن قرار دارد.

فنون گردآوری داده: فنون مورد استفاده در این پژوهش، مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد می‌باشد. یکی از پژوهشگران به مدت شش ماه مشاهدات منظمی در باب کالبد و رفتار در این محله داشتند. همچنین ۲۰ مصاحبه عمیق با ساکنین محله صورت گرفت. سرانجام اسناد متعددی که در مورد پیدایی محله و جایگاه آن در شهر است مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۲: مراحل تحقیق و فنون گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

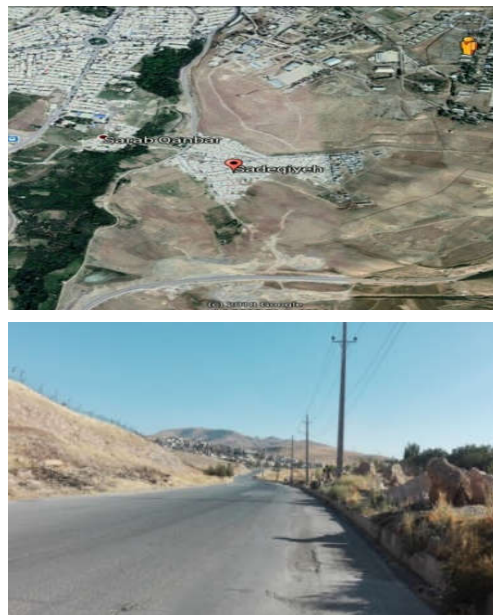
مراحل	یافته‌ها	فنون گردآوری	فنون تجزیه و تحلیل
توصیف	بررسی ویژگی، محدودیت و امکانات فضایی محله صادقیه بر اساس مفهوم حق بر شهر	مشاهده، مصاحبه	الف-تحلیل: ۱- مدیریت داده ۲- کدگذاری
تحلیل و بازنگری	بررسی دلایل در حاشیه قرار گرفتن صادقیه و عدم رعایت حق بر شهر	بررسی اسناد و برنامه‌ریزی‌های شهری	۳- تحلیل محتوی ۴- توصیف کیفی ۵- استخراج الگوها
تبیین سیر تکوینی	انگ خوردگی صادقیه	مشاهده، مصاحبه، بررسی اسناد	۶- طبقه‌بندی ب- تفسیر داده‌ها ج- گزارش نویسی

۵- یافته‌های پژوهش

شهرک صادقیه (کچل آباد)، محله‌ای واقع در جنوب شرقی کرمانشاه است. مساحت

این شهرک ۳۴ هکتار و دارای ۱۴۰۰ خانوار می‌باشد. بر اساس تصویر شماره ۱، محله صادقیه از بافت شهری جدا است. این مسئله مربوط به محله صادقیه نیست و شهر کرمانشاه، به طور کلی، «شهری تکه‌پاره می‌باشد که عوامل جغرافیایی، سیاسی، نظامی و اقتصادی در تکه‌پارگی آن نقش دارند» (بنگرید به قلی‌پور، ۱۳۹۷: ۱۲۷-۱۲۶؛ ۱۳۹۶: ۱۱).

تصویر ۱: عکس هوایی از شهرک صادقیه و ورودی آن



منبع: نگارندگان، مهر ماه ۱۳۹۷

این محله از سمت جنوب و شرق، حریم بیرونی شهر را شکل می‌دهد، در قسمت شمالی به تپه ماهور، در ضلع غربی به دره سراب و باغ‌های آن منتهی است. تنها مسیر ارتباطی آن با بدنه اصلی شهر جاده شمالی است. فاصله شهرک تا نقطه اتصال به شهر حدود ۳۰۰ متر است که یک سوی آن زمین‌های خالی، باغ و قسمت دیگر به تپه منتهی است. پس از طی کردن جاده این مسیر، منازل مسکونی شهرک صادقیه دیده می‌شوند. بیشتر خانه‌های شهرک یک طبقه هستند یا توسط سبک‌سازی طبقه دیگری نیز روی

آن‌ها بنا شده است.

۵-۱- حق تصاحب

کوچه و خیابان: شهرک صادقیه، دارای یک خیابان اصلی است که در امتداد همان جاده ورودی شهرک قرار دارد. این خیابان به چند شاخه تقسیم می‌شود: یک شاخه از خیابان به سمت غرب شهرک می‌رود. از سمت شرق نیز خیابان اصلی به دو شاخه یا دو خیابان فرعی تقسیم شده که یکی به سمت شرق و دیگری به سمت جنوب شرقی حرکت می‌کند. خیابان‌های شهر صرفاً گذرگاه‌هایی برای عبور و مرور وسایل نقلیه هستند و با مفهوم خیابان در اندیشه هاوسمان فاصله زیادی دارند؛ زیرا پیاده‌رو ندارند و درختکاری نشده‌اند بنابراین مکان‌هایی برای پرسه‌زنی نیستند. ساکنین را دعوت به بودن در کنار هم نمی‌کنند. مردم در صدد تصرف این عناصر شهری نیستند و انگیزه‌ای هم برای این کار ندارند. بیشتر کوچه‌ها و خیابان‌های محله ما طوری است که عابران هم هنگام عبور دچار مشکل می‌شوند چه برسد به اینکه کسی مثل من معلول باشد. وضعیت پیاده‌روها که اصلاً خوب نیست چون یا پیاده‌رو نیست یا اگر هست همانطور که خودتان هم می‌بینید اصلاً برای رفت‌وآمد اشخاصی مثل من مناسب نیست. این شرایط باعث می‌شود هر زمان از خانه بیرون می‌آیم واقعاً به لحاظ جسمانی اذیت شوم» (مرد معلول، ۵۰ ساله، دیپلم، متأهل و ساکن شهرک).

پنجاه کوچه در این شهرک وجود دارد که عمدتاً پلکانی و شیب‌دارند. آن‌گونه که در تصویر شماره ۲ دیده می‌شود منظر شهری مناسبی ندارند. جز برای گذر کردن کارکرد دیگری ندارند و رفت‌وآمد برای معلولین حرکتی دشوار و در مواردی غیر ممکن است.

تصویر شماره ۲: کوچه‌های شیب‌دار در شهرک صادقیه



تصویر شماره ۳: خیابان شرقی که یک پیاده‌رو دارد



منبع: نگارندگان، مهرماه ۱۳۹۷

فضای آموزشی و فرهنگی: شهرک صادقیه دارای یک پیش‌دبستانی و مهد کودک، یک دبستان، یک دبیرستان دخترانه (دوره اول) و یک دبیرستان (دوره اول و دوم) است و جوابگوی آموزش رسمی در محله هستند؛ اما فضایی برای آموزش‌های فرهنگی، هنری و با مهارت‌آموزی ندارد.

«سه فرزند دارم که هر سه در مقطع دبستان تحصیل می‌کنند؛ و تابستان‌ها به دلیل

بیکاری، کم حوصله می‌شوند و دائم از من می‌خواهند آن‌ها را در کلاس‌های تابستانی ثبت‌نام کنم، اما در محله ما کلاس فوق‌برنامه‌ای تشکیل نمی‌شود و اگر بچه‌هایم را در کلاس‌های هنری، آموزشی محلات دیگر ثبت‌نام کنم در پرداخت هزینه رفت‌وآمد و شهریه مشکل خواهم داشت. در محلات جوانشیر، فرهنگیان فاز ۲، پردیس، کانون‌هایی هستند با مبالغ کم برای بچه‌ها کلاس‌های آموزشی، برنامه‌های هنری، تفریحی برگزار می‌کند اما این امکانات در محله ما نیست» (زن ۴۱ ساله، ساکن صادقیه).

فضای سبز: محله دارای پارک کوچکی با مساحت ۴۵۰۰ متر است که در ورودی آن قرار دارد. ضلع شمالی پارک به فضای بازی برای کودکان اختصاص داده شده که شامل چند وسیله ورزشی و وسایل بازی چون تاب و سرسره است و قسمت دیگر پارک در قالب فضای چمن‌کاری شده به تفریحگاه سالمندان تبدیل شده است. علیرغم فقر فضای عمومی در صادقیه انتظار می‌رود مردم پارک (بودن در پارک هزینه‌ای برای خانواده‌ها در بر ندارد و همگان می‌توانند حضور داشته باشند) را تصاحب کنند و آن را فرصت و امکانی برای باهم بودن تلقی کنند تا از این طریق دیدار و گزینش بین آن‌ها ممکن شود؛ اما فاصله از منازل مسکونی، حضور معتادین و اراذل و اوباش و نداشتن اغذیه موانع جدی برای با هم بودن هستند.

فضای ورزشی: کاربری ورزشی در صادقیه وجود ندارد.

فضای تجاری: دسترسی آسان به انواع فضاها و خدمات نقش مهمی در عدالت توزیعی دارد (بنگرید به هاروی، ۱۳۷۹). کمبود این فضاها به ویژه فضاهای خدماتی (جدول شماره ۳) شانس انتخاب کالاهای متناسب با درآمد خانوار، سلیقه و ذائقه آن‌ها را کاهش می‌دهد.

جدول ۳: وضعیت خرده‌فروشی در محله

خرده‌فروشی	موقعیت جغرافیایی در محله	تعداد	خدمات و کالای عرضه‌کننده
سوپرمارکت	قسمت شرقی ورودی شهرک	۱	مواد غذایی، اقلام بهداشتی و مواد شوینده، لوازم‌التحریر
	مرکز شهرک	۲	مواد غذایی، اقلام بهداشتی و مواد شوینده، لوازم‌التحریر
	جنوب شهرک	۱	مواد غذایی، اقلام بهداشتی و مواد شوینده، لوازم‌التحریر
نانوایی	قسمت شرقی ورودی	۱	تهیه نان لواش

شهرک		
خواربارفروشی	مرکز شهرک	۱ میوه
	غرب شهرک	۱ میوه و سبزیجات
پوشاک	مرکز شهرک	۲ فروش البسه کودکانه و زنانه
	غرب شهرک	۱ ارائه خدمات به بانوان
سالن آرایش زنانه	جنوب شرقی شهرک	۱ ارائه خدمات به بانوان
	غرب شهرک	۱ ارائه خدمات به مردان
پیرایشگاه مردانه	جنوب شهرک	۱ فروش ظروف خانگی، لوازم کادویی و لوکس
	غرب شهرک	۱ خیاطی البسه بانوان

منبع: داده‌های میدانی ۱۳۹۷

وضعیت حمل و نقل: در وضعیت بهنجار تأسیسات شهری، راه‌ها و جاده‌ها، ساختمان‌ها و کلیه فضاهای شهری که در مجموع کالبد یک شهر را تشکیل می‌دهد باید برای همه مردم شهر یکسان و مناسب باشد. این مهم در شهرک صادقیه با وضعیت مناسب فاصله دارد. تعداد پنج دستگاه اتوبوس برای رفت و آمد شهروندان و سه ایستگاه در قسمت‌های ورودی، میانی و انتهایی شهرک در نظر گرفته شده است. اتوبوس‌ها به صورت منظم و در ساعات مشخص وارد شهرک نمی‌شوند و فواصل زمانی تردد طولانی است.

«اگر بخواهیم جایی برویم روی اتوبوس حساب باز نمی‌کنیم، چون آمد و نیامد دارد. من دیدم که اتوبوس محلات دیگر مثل فردوسی سر ساعت به ایستگاه می‌رسد، اما محله ما اینطوری نیست وقتی هم به راننده‌های اتوبوس اعتراض می‌کنیم می‌گویند این مسیر مسافر کمتر است به همین دلیل ما تنها وقتی که از ترمینال (اتوبوس‌رانی) مسافر داشته باشیم به این سمت حرکت می‌کنیم» (خانم ۳۴ ساله، ساکن شهرک صادقیه). تاکسی‌ها نیز به دلیل کمبود مسافر رغبتی برای کار کردن در این مسیر را ندارند. شیب تند کوچه‌ها نیز تردد در درون محله را دشوار ساخته است.

درهم ریختگی منازل مسکونی، خیابان‌های بدقواره، زمین‌های متروکه که محل نگهداری، قطعات فرسوده ماشین، اثاثیه منزل و ضایعات ساختمانی است منظر شهری را زشت کرده است. اهالی علیرغم فضاهای باز اطراف شهرک فضای عمومی برای خود تولید نمی‌کنند. تا کنون حرکتی خودجوش و داوطلبانه از جانب مردم در واکنش فقر فضاهای عمومی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و سایر خدمات انجام نگرفته است. فروپستی و در خود بودن جزوی از زندگی ساکنین است.

فردوسی نزدیک‌ترین محله شهری به صادقیه، محله‌ای اعیان‌نشین با فضاهای عمومی

متنوع و متکثر (پارک لاله، خیابان کسری، انواع کافی‌شاپ، رستوران، باشگاه) و فضاهای مصرف (مراکز خرید، مگامال، پالادیوم، پلازا) و زیرساخت‌های شهری درخور است. دسترسی به خدمات برای سنین مختلف میسر است؛ اما موانع زیادی برای تصرف فضاهای این محله توسط اهالی صادقیه وجود دارد: نخست، هزینه رفت‌وآمد برای بسیاری دشوار است؛ زیرا حمل‌ونقل عمومی در وضعیت مناسبی نیست. دوم، توانایی مالی برای خرید کالاهای موجود در فضاهای لوکس را ندارند. سوم، مرزهای نمادینی که از طریق جامعه مصرفی در سرتاسر محله فردوسی ساری و جاری است، مرزهای نمادین بسیاری را بر می‌سازند که به مثابه دیواری نفوذناپذیر فقرا را از اغنیا جدا می‌سازد.

۵-۲- حق مشارکت

کمبود فضای عمومی، حیات جمعی در این محله را فقیر ساخته است. زنان، مغازه خیاطی بانوان، سالن آرایش، مغازه پوشاکی (اغلب صاحبان آن‌ها زنان هستند) را به فضایی برای گردهم‌آیی و تعامل خودشان تبدیل کرده‌اند.

«زن همسایه مغازه خیاطی دارد، معمولاً بعدازظهرها با چند تا از خانم‌های همسایه به مغازه او می‌رویم و برای یکی دو ساعت در کنار هم هستیم» (زن ۴۰ ساله، ساکن محله). «یکی از خانم‌های همین کوچه مغازه پوشاک فروشی دارد، بعضی وقت‌ها با خانم‌هایی که با مغازه‌دار همسایه هستند با هم در مغازه چند ساعتی، صحبت می‌کنیم» (زن ۴۲ ساله، ساکن محله).

زنان تا حدودی تلاش کرده‌اند در این فضاهای کوچک روابط اجتماعی خود را بهبود ببخشند. آن‌ها نمی‌توانند در بیرون از محله پیوندهای اجتماعی برقرار کنند. کودکان نیز فضایی برای تجربه زیست جمعی ندارند. دور بودن پارک از برخی منازل مسکونی و حضور اراذل و اوباش و معتادین، کودکان را به سوی استفاده از زمین‌های اطراف سوق داده است.

«قصر بادی و کانون‌های فرهنگی فضاهایی ایمن برای تفریح و سرگرمی کودکان هستند. در اینجا فقط یک پارک هست که آن هم به خاطر قرار گرفتن در قسمت ورودی شهرک و حضور اراذل و اوباش، والدین خیلی تمایل ندارند که فرزندانشان مدت زیادی در آن باشند» (مادر کودک ۴۱ ساله ساکن شهرک صادقیه).

بازی نقش مهمی در رشد شخصیت کودکان دارد. در نبود زیرساخت‌های لازم، کودکان زمین‌های خالی قسمت شرقی شهرک را به عنوان فضای جمعی کودکانه مورد استفاده قرار

می‌دهند.

تصویر ۴: ضلع غربی شهرک صادقیه، فضای بازی و اجتماع کودکان شهرک



منبع: نگارندگان مهر ماه ۱۳۹۷

«به علت باریک و شیب‌دار بودن کوچه‌ها امکان بازی کردن نیست. زمین خالی مناسب برای فوتبال هم نداریم، به همین دلیل، بیشتر وقت‌ها در محدوده خانه خود (به ضلع شرقی شهرک اشاره دارد) بازی می‌کنیم» (کودک ساکن شهرک). مردان تلاشی برای تولید فضای جمعی در محله ندارند و ترجیح می‌دهند کاربر دیگر محلات شهر باشند. جوانان پسر بیشتر از فضاهای محله فردوسی استفاده می‌کنند. «خیابان شهرک مناسب پیاده‌روی و ماشین‌سواری نیست. جای دیگری هم نداریم؛ بنابراین، اغلب غروب‌ها با دوستانمان قرار می‌گذاریم و به خیابان فردوسی و اطرافش می‌رویم و چند ساعتی را با هم می‌گذرانیم. فاصله طبقاتی همیشه ما را اذیت می‌کند» (جوان ۲۵ ساله، ساکن شهرک). زندگی اجتماعی در شهرک صادقیه به دلیل کمبود فضای عمومی مملو از خانواده‌گرایی و فقدان مشارکت عمومی در سطح محله است. «خیلی اهالی محله را نمی‌بینیم، آن هم به دلیل اینکه شرایطش پیش نیامده، اینجا بازار ندارد تا زنان همسایه را ببینیم. محدوده ارتباطان، به همین همسایه‌های خودمان ختم شده است» (زن ۳۳ ساله ساکن شهرک).

محدود شدن ارتباطات ساکنین به همسایه‌ها، امکان پیوندهای اجتماعی در سطح محله را دشوار کرده است. مردان نیز، چندان تمایلی به برقراری ارتباط با دیگری ندارند. گویی افراد در اینجا از یکدیگر مواظبت نمی‌کنند و در صادقیه «سکنی» نگزیده‌اند. فقر روابط اجتماعی گسترده و نداشتن سرمایه اجتماعی کافی سبب شده آن‌ها جسارت کافی نداشته باشند تا اجتماعات بزرگ‌تر یا گروه محلی و مردم‌نهاد تشکیل دهند و مشکلات محله را از طریق برقراری ارتباط با نهادهای شهری مثل شهرداری رفع کنند؛ بنابراین در رفع مشکلات شهری حتی در سطح محله خود نیز مشارکت ندارند. ساکنین برای رفع مواردی نظیر آب‌گرفتگی معابر، خرابی لوله‌های فاضلاب و قطعی برق به صورت درون‌گروهی (ساکنین هر کوچه یا چندین خانواده) عمل می‌کنند. آن‌ها با مباحث آموزش شهروندی آشنایی ندارند. انجمن‌های مردم‌نهاد و یا تسهیلمان اجتماعی نیز فعالیتی در محله ندارند. شکل کالبدی شهرک و وضعیت غیر مرسوم تعامل (تعاملات پاره پاره و روابط سرد با دیگری ناشناخته)، محله صادقیه را به شهرکی خوابگاهی و عاری از امکانات تبدیل کرده است. اهالی زیرساخت مناسب برای گردهم‌آیی، تعامل و شکل‌گیری خاطره ندارند. سکونت کردن آن‌ها نه تنها در محافظت و مراقبت از یکدیگر نیست بلکه در تناسب با زمین و آسمان نیز قرار ندارد و شبکه معانی نیز در کنار آن‌ها تنیده نشده است. «نبود فضای مناسب، ما را به مناطق دیگر می‌کشاند، مثلاً وقتی تیم ایران به جام جهانی رفت همه مردم خوشحال بودند و به خیابان‌ها رفتند، خب وقتی خیابان‌های محله کوچک، کم عرض و نامناسب است و فضایی برای شادی هم نیست، ما هم برای شریک شدن در شادی به خیابان محلات دیگر مثل مصدق و خیابان کاشانی رفتیم و هنوز وقتی از آن خیابان عبور می‌کنیم به یاد وقایع آن روز می‌افتیم در صورتی که خاطره‌ای از محله خودمان نداریم» (جوان ۲۵ ساله، دانشجو، مجرد، ساکن شهرک).

پویایی فضای شهری ضمن گردهم‌آوردن افراد جهت دیدار و گزینش در ایجاد حس تعلق نیز نقش‌آفرینی می‌کند. حس تعلق به فضای شهری پدیده‌ای است که از یک سو به ویژگی‌های فردی و از سوی دیگر به نحوه تعاملات اجتماعی و ارتباط با دیگران و شرایط محیطی وابسته است. فقر فضای شهری و به دنبال آن روابط اجتماعی گسسته، احساس تعلق به محله را در وضعیت نامناسبی قرار داده است.

فضای اجتماعی سرد و عدم پیوندهای اجتماعی، افراد را ناگزیر به سمت بیرون از محله سوق می‌دهد؛ اما جدایی شهرک از بدنه اصلی شهر و هزینه رفت‌وآمد این مسیر را نیز دشوار ساخته است. مردم فضایی برای تصاحب در درون محله خویش ندارند. توان مالی

آن‌ها برای تصاحب فضاهای شهر اصلی (کرمانشاه) نیز اندک است. نکته قابل تأمل این است که محلات مجاور مانند مصدق، فردوسی، کسری و بهار نیز در محاصره روندهای سرمایه هستند (بنگرید به مهر ۱۳۹۶). فضاهای مصرف لوکس مانند مراکز خرید، هایپرستار، پالادیوم و نظایر آن کل منطقه را درنور دیده‌اند. حضور در این مکان‌ها به دلیل فقر مالی صرفاً حسرت به بار می‌آورد. مضاف بر این، حق مشارکت نیز در سطح نازلی مداخلات نهادهای شهری برای مصرف جمعی و کالاهای عمومی انجام نگرفته است. صادقیه محله‌ای است که مورد توجه قرار ندارد. تا کنون اهالی واکنشی به این طردشدگی نداشتن حق بر شهر انجام نداده‌اند. همبستگی‌های جمعی مطالبه محور و یا حتی غیر آن که نیاز جمعی را برآورده می‌کنند، در میان آنان پا نگرفته است.

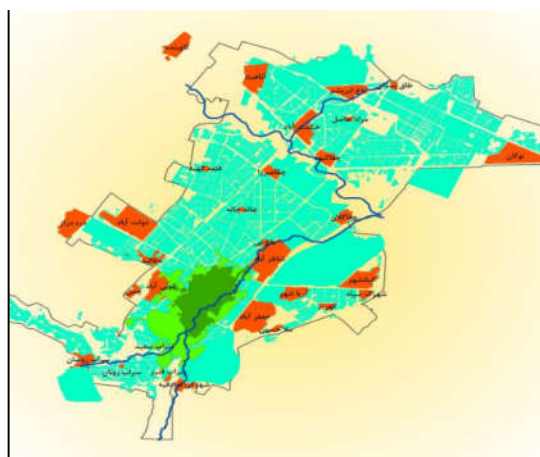
۶- دلایل عدم رعایت حق بر شهر در محله صادقیه

۶-۱- **مهاجرت روستا به شهر:** دلیل اصلی عدم رعایت حق بر شهر روند بی‌رویه مهاجرت مناطق روستایی اطراف به شهر کرمانشاه است. این روند در اواسط دهه ۴۰ شروع شد. جمعیت ۲۹۰۶۰۰ نفری سال ۱۳۵۵ به ۵۶۰۵۱۴ نفر در سال ۱۳۶۵ رسید؛ یعنی حدوداً دو برابر شد و رشد ۶/۸ درصدی را تجربه کرد. در این بازه زمانی جنگ تحمیلی نیز نقش‌آفرین بود. با آغاز جنگ در سال ۱۳۵۸ مرزنیینان دیار خود را ترک و به کرمانشاه مهاجرت کردند. دو برابر شدن جمعیت ظرف ۱۰ سال امکان اسکان متناسب با حق بر شهر را دشوار ساخت. افزایش جمعیت سبب انفجار رشد شهر در تمام جهات شد. «شهر تا دامنه طاق‌بستان در شمال و دامنه سفیدکوه در جنوب گسترش یافت و دشت حاصلخیز کرمانشاه کاربری مسکونی پیدا کرد» (آمایش سرزمین، مجلد نظام شهری، ۱۳۹۶: ۱۵۲). در سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ شمسی دو پویش شهری وجود داشت: شهرک‌سازی و حاشیه‌نشینی. شهرک‌های ساخته‌شده در این دوره عبارت‌اند از شهرک‌های شمالی (فرهنگیان، کارمندان، معلم و تعاون)، شهرک‌های شرقی (کیهان‌شهر، رسالت و آریاشهر)، شمال شرقی (شهرک‌های ظفر، تکاور، هوانیروز، جهاد، پرواز، نساجی)، شرق (شهرک سپاه، کهریز (آزادگان)، بسیج، فاز دوم شهرک سجادیه، شهر سالم و شهرک نیروی انتظامی) و غرب (شهرک گل‌ها، شهرک چقامیرزا، اتوبوس‌رانی، تاکسیرانی، دادگستری، شهرک تیمسار نجفی، فاز چهارم الهیه، بنیاد مستضعفان و جانبازان). احداث آن‌ها مبتنی بر بازنمایی فضا و متأثر از طرح جامع شهری است. با این که فقر فضای عمومی و دسترسی نامناسب به خدمات در آن‌ها هویدا است اما حداقل‌هایی را در معابر، ایستگاه اتوبوس،

تفکیک زمین، مصالح و خیابان‌کشی‌ها رعایت کرده‌اند. با این وجود تا رسیدن به حیات شهری پویا و سرزنده فاصله زیادی دارند.

پویش دوم رشد رشد بی‌رویه حاشیه‌نشینی است که یک سوم جمعیت شهر و ۳۴ محله را شامل می‌شود. آن‌ها که توانایی خرید زمین و یا خانه در محدوده طرح جامع نداشتند مبادرت تهیه مسکن به طرقی مانند تصرف عدوانی، تصرف خرنده، باز تقسیم و سکونت در روستاهای محدوده شهری کردند. نقشه شماره ۱ نشان می‌دهد پراکنش آن‌ها منطبق خاصی ندارد. هر جایی که زمین موات، ارزان و بدون سند مالکیت، مسیل و یا دور از نظارت شهرداری را پیدا کرده‌اند به محله شهری تبدیل کرده‌اند.

نقشه ۱: شهرک‌ها و محلات ساخته شده دهه ۵۷ تا ۸۰



منبع: آمایش سرزمین، ۱۳۹۶

صادقیه روستایی در جنوب کرمانشاه بود که با توسعه شهر در محدوده شهر قرار گرفت و به دلیل قیمت پایین زمین به مکان مناسبی برای مهاجران تبدیل شد و بافتی نیمه شهری پیدا کرد. به مرور زمان قشرهای کم درآمد مانند کارگران فصلی، دست‌فروش‌های درون شهر به دلیل سرمایه اندک و عدم توانایی خرید خانه در محلات مناسب شهر بدانها اضافه شدند. بر اساس داده‌های مهندسین «ایران آمایش» در سال ۱۳۶۴ در محله صادقیه ۳۰۰ خانوار و حدوداً ۱۰۰۰ نفر زندگی می‌کردند (آمایش سرزمین، مجلد نظام شهری،

۱۳۹۶: ۱۵۸). به طور کلی در برنامه‌های توسعه و طرح جامع شهری مسکن ارزان قیمت مد نظر نبوده است. تلاش بر این بود که جاذبه‌ای در شهر برای آن‌ها پیدا نشود تا جلو مهاجرت بی‌رویه گرفته شود. به همین دلیل در برنامه‌ریزی‌های مربوط به ساخت‌وساز شهری، قشر تهی‌دست شهر مورد بی‌مهری و طرد از بدنه اصلی شهر (حوزه طرح جامع) قرار گرفتند. طرد از شهر سبب بازگشت آن‌ها به روستا نشد. آن‌ها برای همیشه روستاها و خانه‌های خود را ترک کرده بودند. این شرایط آن‌ها را به ساخت منازل مسکونی خارج از محدوده رسمی شهر واداشت که واکنش جدی به طرد بود. با اینکه حدود ۳۰ سال از سکونت آن‌ها در این محله می‌گذرد، هنوز تلاشی برای تصاحب فضا و مشارکت در تولید آن نداشته‌اند. حق بر شهر لزوماً فعالیتی آکادمیک و برگرفته از نظریه‌های اجتماعی نیست بلکه فریاد و درخواستی است برای زیستن به شیوه‌ای انسانی. صدایی برخاسته از منازل مسکونی و خیابان‌های شهر برای مبارزه با زیاده‌خواهی‌های سرمایه‌داری است. سکونت ساکنان صادقانه ناشی از استیصال و عدم توانایی در مواجهه با روندهای بالا و متأثر از سرمایه است. دو قطبی بودن شهر (تقابل با فردوسی) احساس یگانگی را از بین برده و را دارای حد و مرزی قرار داده که شهروندان را وادار می‌کند تا در چارچوبی که برایشان تعیین شده در رفت‌وآمد باشند و از شهر استفاده کنند. مرزبندی و تفکیک شهری برجسته‌ترین نتیجه روند توسعه شهری از دهه ۴۰ تا کنون است.

۶-۲- طرد و انگ خوردگی در زندگی روزمره: انزوای محله، عدم تعبیه زیرساخت‌ها، نداشتن فضاهای فرهنگی، آموزشی و عمومی همراه با فقر مالی باعث شد محله صادقیه از دایره حیات شهری طرد شود و در فضای ذهنی انگ بخورد. از همان زمان شکل‌گیری در اوایل دهه ۶۰، کمبود امکانات و زیرساخت در محله عیان بود بدین‌روی نام آن را «کچل‌آباد» گذاشتند. در زبان محلی به منطقه‌ای گفته می‌شود که عاری از امکانات است. از آن زمان تا کنون چیزی به امکانات محله اضافه نشده است. به مرور زمان برچسب ناامنی و محیط بزهکاری نیز بدان زده شد.

«گاهی اوقات از اینکه پیش دوستانم محل زندگی خود را مطرح کنم خودداری می‌کنم. دوست ندارم آن‌ها بدانند که من کجا زندگی می‌کنم. بارها اتفاق افتاده که به خاطر اینکه دوستان ندانند من اهل کجام بحث را عوض کردم. عین یه کابوس می‌مونه. کاش اینطور نبود» (علی، دانشجو، ۲۲ ساله).

انگ خوردگی و نداشتن فضای مناسب برای جذب دیگر شهروندان صادقیه را به

محله‌ای منزوی تبدیل کرده است. بر ساخت معانی نامناسب درباره شهرک انگیزه هرگونه سرمایه‌گذاری را کمرنگ کرده است زیرا برگشت سرمایه در آن غیر محتمل است. کسب‌وکارهای کوچک هم پا نگرفته‌اند و آثار فرسودگی و کهنگی در ظاهر محله علاوه بر انگ خوردگی، می‌توان دلایل دیگری برای عدم سرمایه‌گذاری برشمرد.

۱- نداشتن مسیر مناسب: صادقیه محله‌ای منزوی است که در درون شبکه راه‌ها و مسیرها قرار ندارد. امکان رفت‌وآمد دیگر شهروندان به آن وجود ندارد، کنشگران فضاهای مصرف و ارائه‌دهندگان خدمات بر این باورند که تقاضایی برای ارائه خدمات آن‌ها وجود ندارد. از نظر آن‌ها سرمایه‌گذاری و احداث فضای جدید، برای متقاضیان اندک و فقیر سودی به همراه ندارد و این مهم انگیزه آن‌ها از بین می‌برد.

۲- رویت ناپذیری محله: شهرک صادقیه از بدو شکل‌گیری در آستانه دید شهروندان و مدیران شهری قرار نداشته است. رسانه‌ها هم بازنمایی از آن نداشته‌اند. نهادهای بین‌المللی و حوزه‌های آکادمیک تا کنون درباره آن سکوت کرده‌اند. بر طبق مصاحبه‌ها اهالی نیز مطالبه خاصی را به طور گروهی مطرح نکرده‌اند؛ بنابراین منابع عمومی نیز در این محله منزوی هزینه نشده‌اند. با تمام این تفاسیر کمبود فضا و زیرساخت‌ها در چنین محله‌ای زاینده کلان‌شهر کرمانشاه نیست و شهروندان صادقیه نیز به مانند دیگران حقی بر زندگی شهری دارند که تا کنون اعاده نشده است.

۷- نتیجه‌گیری

شهرهای ایران در سده اخیر، روندهای توسعه مختلفی را تجربه کرده‌اند. برنامه‌های توسعه توجه زیادی به توسعه شهر و نادیده گرفتن روستا داشتند. این مسئله انگیزه زیادی برای مهاجرت روستاییان به شهر در دهه ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی بود. ملایم با این روند اصلاحات ارضی نیز روستاییان را از شیوه تولید زراعی جدا و روانه شهرها کرد. در نتیجه این دو روند ایران با پدیده «بیش از حد شهری شدن» مواجه شد، فرایندی که سکنی گزیدن در شهرها را با اضطرار، عدم توجه به زیرساخت‌ها، نابرابری و توسعه نامتوازن روبه‌رو ساخت. شهر کرمانشاه به مانند دیگر شهرهای ایران این وضعیت را تجربه کرد. این شهر در روند رشد خود از دهه ۱۳۴۰ تا کنون با شهرک‌سازی و حاشیه‌نشینی مواجه شده است. طبق داده‌های تدبیر شهر (۱۳۸۲)، این شهر ۳۴ محله کم برخوردار دارد که از امکانات و زیرساخت‌ها محروم هستند. محله‌های مختلف شهری از حیث سطح برخورداری تفاوت زیادی وجود دارد، صادقیه از محلات کم برخوردار است.

پیوستگی فضایی یکی از ارکان جدی زندگی شهری است که حیات شهری را با پویایی و سرزندگی مواجه می‌کند و باعث می‌شود افراد زندگی جمعی را به مثابه یک کل تجربه کنند. در برخی موارد اغنیا خود را از دیگران جدا می‌کنند و در موارد دیگری، فرودستان به حاشیه رانده می‌شوند. محله صادقیه به طور کامل از بافت شهری جدا است و ارتباط ارگانیک با بدنه اصلی شهر ندارد. بخشی از این مسئله ناشی از توپوگرافی شهر و بخشی دیگر ناشی طرد است. از منظر حق تصاحب، مشاهدات بیانگر آن هستند که زیرساخت‌های شهری لازم برای زندگی آبرومند در این محله وجود ندارد. وسایل حمل‌ونقل عمومی در وضعیت مناسبی نیست، فضاهای عمومی در این شهرک وجود ندارند. همچنین این محله از وجود فضای تجاری، تفریحی، آموزشی و پزشکی نیز محروم است. این مهم زمانی بیشتر احساس می‌شود که به زندگی معلولین، سالمندان و کودکان توجه کنیم که در خانه‌های خویش محبوس هستند. از منظر حق مشارکت نیز، مردم صادقیه در شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری هیچ‌گاه مورد مشورت قرار نگرفتند. از سوی دیگر شرایط فیزیکی محله و نبود فضای تعامل نیز، باعث شده است مردم نتوانند به راحتی با هم ارتباط داشته باشند، سطح مشارکت محلی برای بهبود مسائل محله، نیز کاهش یافته است. عدم رعایت حق به شهر، گویای آن است که صادقیه، علی‌رغم قرار گرفتن در قلمرو زندگی اجتماعی و شهری کرمانشاه، در نظام اجتماعی این شهر ادغام نشده است؛ بنابراین، شهرک صادقیه نه تنها برای مدیران شهری که برای عامه مردم نیز اهمیت ندارد و آن را به عنوان محله‌ای حاشیه‌ای می‌شناسند که شرایط مناسبی برای زندگی سالم ندارد. حق بر شهر یک درخواست عمومی برای زندگی درخور است؛ بنابراین انتظار می‌رود واکنش‌های خودجوش از جانب مردم برای برای دسترسی به حق بر شهر صورت پذیرد. تا کنون این مهم در صادقیه محقق نشده است. سکنه این محله در خود فرو رفته و حقوق خود را از یاد برده‌اند. صادقیه نامکانی است که هویت و تاریخ ندارد، خاطره‌سازی در آن دشوار است. افراد ذره‌ای و سر در گریبان، توانایی ساختن خاطره ندارند. برقراری رابطه در بین آن‌ها دشوار است. مناسک، گردهمایی و فضایی برای با هم بودن ندارند. بودن در «مغاره» خانه تفرد آفرین، از خود بیگانه کننده و یأس‌آور است. احساس تعلق در چنین فضایی شکل نمی‌گیرد. برنامه‌ریزان و طراحان شهری در کلان‌شهر کرمانشاه بر اساس طرح‌های جامع در ادوار گوناگون، نابرابری خلق کردند و برخی افراد را از دسترسی به کالاهای عمومی و زیرساخت‌های شهر محروم کردند. محله صادقیه از جمله آن‌هاست که در آستانه دیده شدن هم قرار ندارد. پشت تپه‌ماهورها پنهان شده و تنها تابلویی کوچک در خیابان دلگشا

از حضور آن خبر می‌دهد. حق بر شهر شاخص مناسبی برای ارزیابی عملکرد توسعه شهری است و عدم عدالت توزیعی و خشونت سرمایه در برنامه‌های توسعه شهری را برملا ادعای آن‌ها مبنی بر خنثی بودن و فراغت ارزشی را به چالش می‌کشد. به ما نشان می‌دهد که طرح‌های جامع در راستای منافع فرادستان و توانگران مالی تدوین و پیاده‌سازی و محله‌های خاموشی را تولید کرده‌اند که از کمترین امکانات برخوردارند و انگیزه‌ای برای اعتلای زندگی خویش ندارند. شور زندگی در آن‌ها فروکش کرده و بدون طرح و چشم‌انداز روزگار سپری می‌کنند. بعد از ۴۰ سال سکونت، قدمی برای بهبود فضای عمومی و احیای محل زندگی خویش برنداشته‌اند.

منابع

- ایراندوست، کیومرث (۱۳۸۹)، *سکونت‌گاه‌های غیررسمی و اسطوره حاشیه‌نشینی*، تهران: سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.
- ایراندوست، کیومرث؛ دوستوندی، میلاد (۱۳۹۴)، «حق به شهر و سکونت‌گاه‌های فقیرنشین با تاکید بر سکونت‌گاه‌های خودنگیخته شهری در ایران»، *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، دوره ۴، شماره ۵۰-۴۹.
- ایرانمنش، محمد؛ مختاری، بهاره (۱۳۹۴)، «کباتانی‌ها به دنبال حق به شهر: نگاهی به کنشگری شهری نوزاده در شهرک اکباتان»، *نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر*، دوره ۴، شماره ۵۰-۴۹، صص ۲۴۷-۲۳۹.
- آمایش سرزمین (۱۳۹۶)، *نظام شهری*، سازمان برنامه و بودجه استان کرمانشاه.
- رابینو، لویی (۱۳۹۳)، *گزارشی از بازرگانی و جامعه شهر و ایالت کرمانشاه*، ترجمه، فریبرز همزه‌ای، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- رفیعیان، محسن؛ الوندی پور، الناز (۱۳۹۵)، «مفهوم پردازی اندیشه حق به شهر در جستجوی مدلی مفهومی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۶، شماره ۲، صص ۴۷-۲۵.
- سرشماری نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، مرکز آمار ایران.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۹۶)، «حق به شهر و فضاهای عمومی شهری»، *فصلنامه تخصصی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری*، دوره اول، سال دوم، شماره ۵۱-۲، ۶۶.
- شمولی، اندرو (۱۳۹۳)، *کلیت، هژمونی، تفاوت: هانری لوفور و ریموند ویلیامز*، مترجمان: افشین خاکباز، محمد فاضلی، تهران: تیسرا.
- شورچه، محمود؛ شاکری، محمد (۱۳۹۳)، «هانری لوفور: تولید دیالکتیکی فضای شهری و زندگی روزمره»، *در فلسفه، شهر و زندگی روزمره*، تهران: تیسرا.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۱)، *تولید اجتماعی فضای شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)*، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۳)، «بازگشت طرد شدگان: ظهور سکونت‌گاه‌های غیررسمی در کرمانشاه»، *در مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲۱، شماره ۱، ۸۷-۶۳.

- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۴)، «گسترش نامکان‌ها و تهدید حیات شهری در کرمانشاه»، در **مطالعات جامعه‌شناختی**، دوره ۲۲، شماره ۱، ۱۰۱-۷۷.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۶)، «دانشگاهی در خود و شهری بی‌نیاز»، در **دانشگاه رازی در بستر محلی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قلی‌پور، سیاوش (۱۳۹۷)، «تکه‌پارگی، مونوریل و حیات شهری در کرمانشاه»، در **پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران**، دوره ۸، شماره ۱، ۱۴۱-۱۱۹.
- کریمی، جلیل و همکاران (۱۳۹۶)، «تهیدستان شهری: نگاهی تاریخی و جمعیت‌شناختی به حاشیه‌نشینی در کرمانشاه»، در **پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر**، دوره ۶، شماره ۱۱، ۲۶-۱.
- کلارک دیوید، کلارک، برایان (۱۳۹۵)، **کرمانشاه شهری در ایران**، ترجمه سیاوش قلی‌پور، کرمانشاه: دانشگاه رازی.
- کلارک، دیوید (۱۳۹۶)، **جامعه مصرفی و شهر پسامدرن**، ترجمه حمید پورنگ، تهران: علمی فرهنگی.
- لوفور، هانری (۱۳۸۹)، «نظریه‌هایی درباره شهر و برنامه‌ریزی شهری»، ترجمه: کمال اطهاری، **فصلنامه بن**، شماره ۸۵-۸۴.
- لوفور، هانری (۱۳۹۴)، «فضا و شیوه تولید»، ترجمه آیدین ترکمه، در **درآمدی بر تولید فضای هانری لوفور**، تهران: تیسرا.
- مایلز، استیون، مایلز، مالکوم (۱۳۹۲)، **شهرهای مصرفی**، ترجمه مرتضی قلیچ و محمدحسن خطیبی بایگی، تهران: تیسرا.
- مریفیلد، اندی و هاروی، دیوید (۱۳۹۱)، **حق به شهر: ریشه‌های شهری بحران‌های مالی**، ترجمه خسرو کلانتری، تهران: مهر ویستا.
- مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۲)، **گزارش امکان‌سنجی طرح توانمندسازی اسکان غیر رسمی کرمانشاه**، وزارت مسکن و شهرسازی.
- معروفی، حسین؛ وحیدی برجی، گلдіس (۱۳۹۴) «فضا و تحقق‌پذیری حق شهری: شناسایی مؤلفه‌های فضایی برآمده از حق شهری به منظور تحلیل و ارزیابی پروژه نواب در تهران و لادفانس در پاریس»، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری**، دوره ۱۶، شماره ۲، ۱۴-۵.
- مهر، بهار (۱۳۹۶)، **مصرف و بیگانگی: مطالعه موردی کلان‌شهر کرمانشاه**، پایان

نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی.
هاروی، دیوید (۱۳۷۹)، *عدالت اجتماعی و شهر*، مترجمان، فرخ حسامیان، محمدرضا
حائری، بهروز منادی‌زاده، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
هاروی، دیوید (۱۳۹۵)، *از حق به شهر تا شهرهای شورشی*، ترجمه خسرو کلانتری
و پرویز صداقت، تهران: آگاه.

References

- Floor, Willem (2018), *Kermanshah: City and Province*, 1800-1945, Washington dc, Mage Publication.
Lefebvre, H (1968[1996]), 'The Right on the city', in *Writings on Cities*, Oxford, Blackwell.
Lefebvre, H (1991), *The Production of Space*, Oxford, Blackwell.
Merrifield, A (2006), *Henri Lefebvre: A Critical Introduction*, NewYork: Routledge.